

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی-پژوهشی، شمارهٔ پیاپی ۱۱- پاییز و زمستان ۱۳۹۳

دکتر ابراهیم بدخشان (استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه کردستان، سنندج، نویسنده مسؤول)^۱

دکتر یادگار کریمی (استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران)^۲

رزیتا رنجبر (کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران)^۳

حالت‌نمایی در کردی سورانی (سنندجی و بانه‌ای)

چکیده

در انگاره‌های متاخر دستور زایشی دو دیدگاه عمده راجع به چگونگی نظام حالت‌دهی وجود دارد. دیدگاه چامسکیایی استاندارد این است که حالت توسط هستهٔ دستوری به نزدیکترین گروه اسمی از طریق یک مطابقه اعطا می‌شود (چامسکی، ۲۰۰۰). در این رویکرد حالت به عنوان تجویز کنندهٔ گروه‌های اسمی، مقوله‌ای کاملاً نحوی است و ارتباط مستقیمی بین حالت ساختاری و روابط ساختاری گروه‌های اسمی پذیرنده حالت وجود دارد. در دیدگاه دوم، حالت‌دهی توسط قواعد پیکره‌ای و در بخش آوایی صورت می‌گیرد. در این رویکرد ارتباط مستقیمی بین حالت‌دهی و مطابقه برقرار نیست و سلسه مراتب ساختوازی، حالت گروه‌های اسمی را تعیین می‌کند. در این مقاله، با بررسی داده‌هایی از دو گونه زبان کردی، سنندجی و بانه‌ای، و مقایسهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو گونه از گویش سورانی نشان خواهیم داد که برای تبیین نظام حالت‌دهی، ارجاع به مفروضات نظری در هر دو رویکرد ضروری است.

کلیدواژه‌ها: کردی، قواعد پیکره‌ای، نظام حالت‌دهی، رویکرد ساختاری، رویکرد ساختوازی.

۱. مقدمه

نظریهٔ حالت، برای نخستین بار، به‌عنوان راه حلی برای تبیین چگونگی توزیع ساختاری فاعل بندهای زمان‌دار (آشکار) و فاعل جمله‌های فاقد زمان (پنهان) در انگلیسی مطرح شد. به‌طور مشخص، این‌که چرا وجود یک گروه اسمی در جایگاه فاعل در جملهٔ زمان‌دار، دستوری است اما در جمله بدون زمان، غیردستوری می‌باشد؟ در این نظریه، حالت انتزاعی / ساختاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۶

1- ebadakhshan@uok.ac.ir

2- y.karimi@uok.ac.ir

3- Ranjbar.roz@gmail.com

نقش اساسی در انگیزه حرکت گروه‌های اسمی ایفا می‌کند. همچنان‌که نظریه گسترده گردید و حوزه تجربی مطالعات گسترش یافت توجه ویژه‌ای به حالت بی‌قاعده^۱ (غیرفاعلی) در زبان ایسلندی و حالت کنایی معطوف گردید، و از این رهگذر، حساسیت نظری بیشتری به ارتباط بین حالت ساختاری و مقوله ساختوازی نشان داده شد تا آنجا که ارتباط بین این دو هنوز هم به عنوان یک پرسش اساسی در انگاره‌های اخیر دستور زایشی مطرح است (بوبالچیک و ورمبراند، ۲۰۰۸).

دو رویکرد عمده به نظام حالت‌دهی گروه‌های اسمی که در نظریه‌پردازی‌های زایشی اخیر مطرح هستند عبارتند از: رویکرد ساختاری (نحوی) و رویکرد ساختوازی.

در رویکرد ساختاری، حالت ساختاری توسط هسته‌های دستوری همچون فعل، حرف-اضافه و هسته زمان به گروه‌های اسمی اعطا می‌شوند. برای مثال، حالت فاعلی توسط هسته زمان به نزدیکترین گروه اسمی که تحت تسلط سازه‌ای هسته زمان است اعطا می‌شود (چامسکی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱). مطابقه، در واقع نمود ساختوازی گروه اسمی بر روی هسته اعطاکننده/بازبینی کننده حالت است. (بیکر، ۲۰۱۱). ارتباط بین حالت و مطابقه حاصل رابطه‌ای به نام تطابق^۲ است که در بخش نحو به وقوع می‌پیوندد (چامسکی، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸).

در رویکرد دوم، حالت بر اساس دسته‌ای از قواعد پیکره‌ای^۳ به گروه‌های اسمی اعطا می‌شود. رویکرد ساختوازی، نخستین بار، توسط مارانتز (۱۹۹۱) مطرح شد. در این رویکرد، حالت‌دهی به صورت سلسله مراتبی شکل می‌گیرد. حالت یک گروه اسمی، وابسته است به وجود گروه‌های اسمی دیگر در همان حوزه و اصولاً ارتباط مستقیمی بین هسته دستوری و گروه اسمی برقرار نیست. رویکرد ساختوازی توسط زبانشناسان زایشی مانند بوبالچیک (۲۰۰۸) و مک فادن (۲۰۰۴) مورد توجه قرار گرفت. این دو رویکرد از حالت‌نمایی، همانند دو رقیب به نظر می‌رسند که هر کدام برای اعطا/بازبینی حالت حوزه‌ای خاص را مطرح می‌کنند و در واقع، تقابل بین حوزه نحو و حوزه آوایی را نشان می‌دهند.

1. quirky
2. Agree
3. Configurational

در این پژوهش به بررسی نظام حالت و مطابقه در دو گونه از کردی سورانی، یعنی بانه‌ای و سنندجی، می‌پردازیم. تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌مند در شیوه حالت‌دهی به گروه‌های اسمی در این گونه مستلزم بکارگیری ابزارهای نظری در هر دو رویکرد ساختاری و ساختواژی است. به‌طور مشخص، در این پژوهش، نشان خواهیم داد، در حالیکه رویکرد ساختواژی بخوبی از عهده تبیین نظام حالت دهی گونه بانه‌ای بر می‌آید، نظام حالت دهی در گونه سنندجی صرفاً در چهارچوب یک منظر ساختاری به حالت‌نمایی قابل توجیه است. فارغ از این نتیجه تجربی، پژوهش حاضر به لحاظ نظری این نکته را بازتاب می‌دهد که دو رویکرد فوق‌الذکر به حالت دهی الزاماً